



مادر لباس ها را گرفت و گفت: ((هفت سال مرا از کرج به اوین کشانیدید و هر بار پرسیدم، دخترم کی آزاد می شود؟ گفتید: بزودی. حالایی آنکه نشانی کورش را بدهید، تنها لباسهایش را تحویل می دهید! لباسهای او را بر آستانه در خانه مان آویزان می کنم تا یادمان نرود شما با ما چه کردید!))

اخبار

زندانیان، اعتراضات

و دستگیریها

تشدید فشار بر زندانیان سیاسی در اوین

سائگرد اعتصاب غذای سراسری در

زندانیهای رژیم

زندانیان سیاسی زندانیهای عادل آباد شیراز، دستگرد اصفهان، ملائانی و کارون اهواز با اعلام یک دقیقه سکوت در روز یکشنبه ۱۷ خرداد یاد زندانیان سیاسی را که در جریان اعتصاب غذای سراسری تابستان ۶۷ جان خود را از دست دادند گرامی داشتند. زندانیان رژیم پس از اطلاع از این اقدام جمعی زندانیان سیاسی نیروهای سرکوب خود را وارد بنده ها کرده و به ضرب و شتم جمعی زندانیان سیاسی پرداختند. در زندان عادل آباد ملاقاتها را قطع کردند و شمار زیادی از زندانیان را به بندهای انفرادی منتقل نمودند. زندانیان سیاسی زندان ملائانی در اعتراض به این سرکوب از خوردن غذا به مدت دو شب خودداری کردند.

زندان اوین، ۱۷ خرداد، رژیم کلیه ملاقاتهای این زندان را قطع نموده و تلویزیون و روزنامه را از تمام بندها جمع آوری کرد. گفته می شود که تشدید فشار بر زندانیان سیاسی در این زندان، بی ارتباط با اعتراضات اخیر این زندانیان به وضعیت غیر بهداشتی زندان، رشد انواع بیماریهای پوستی و بی اعتنائی زندانیان به این وضعیت بی ارتباط نیست.

تهران، جمعه ۱۵ خرداد، ماموران امنیتی رژیم چهار تن از وابستگان دوتن از جان باختگان زندانیهای رژیم را هنگامی که قصد رفتن به گورستان خاوران را داشتند دستگیر کردند. پدر ۷۰ ساله ای در میان دستگیرشدگان است. از سر نوشت و محل زندان آنان هیچ اطلاعی در دست نیست.

تهران، در اواخر بهمن سال ۷۶ یک مهماندار زن هوایمائی جمهوری اسلامی در ۴۵ متری سید خندان به ضرب گلوله یک پایسدار به قتل رسید.

بقیه در صفحه ۳

در این شماره: اخبار، در یکمین سال اعتصاب...، ضابطان و ناصحان امر به معروف...، اطلاعیه ها و...

در یکمین سال اعتصاب غذای سراسری زندانیان سیاسی یاد ۶ زندانی

را که در جریان این اعتصاب جان باختند گرامی میداریم

بیش از سه هزار زندانی سیاسی در زندانهای عادل آباد شیراز، دستگرد اصفهان، تبریز، ملائانی و کارون اهواز در ۱۷ خرداد ۱۳۷۶ در اعتراض به وضعیت بد زندانها و اعمال سرکوبگرانه زندانیان جمهوری اسلامی به اعتصاب غذا دست زدند. این اعتصاب غذا ابتدا از زندان عادل آباد آغاز گردید، پس از سه روز به زندان دستگرد و یک هفته بعد به زندانهای تبریز، ملائانی و کارون گسترش یافت. در ادامه این اعتصاب، شش تن از زندانیان اعتصابی به اسامی کامران یزدانی هوادار راه کارگر در زندان دستگرد، عبدالرضا حامدی و جعفر عباسی هواداران مجاهدین و حمیدرضا داداشی و مهرداد ونوقی هواداران فدائیان اقلیت در زندان تبریز و پروانه علیپور دانشجوی ۲۶ ساله دانشگاه جندی شاپور اهواز هوادار فدائیان اقلیت در زندان ملائانی جان خود را از دست دادند. زندانیان جمهوری اسلامی که هرگز تصور نمی کردند چنین مبارزه یکپارچه و هماهنگی در شرایط حاکمیت سرکوب و اختناق در زندانها شکل بگیرد، از همان ابتدای شروع این اعتصاب خشن ترین و ضد انسانی ترین شیوه ها را برای سرکوب آن به کار گرفتند. کثرت زندانیان اعتصابی به قدری بود که امکان انتقال همزمان آنها به اطاقهای شکنجه نبود. در نتیجه بندها را به شکنجه گاه های جمعی تبدیل کردند. به زندانیان چشم بند زدند، آنان را چندین روز در محوطه بندها بر روی شکم خوابانده و به بدنشان مشت و لگد و کابل زدند و هر که را که از خوردن غذا امتناع می ورزید برای هر وعده غذا ۲۰ ضربه کابل به زیر پاهایش زدند. یک به یک از بند خارجشان کردند، شکنجه شان دادند، به سلولهای انفرادی و بندهای مجردو زندانیهای دور دست تبعید و تجدید محاکمه شان کردند. رژیم برای سرکوب این اعتصاب غذا و درهم شکستن روحیه مبارزاتی و مقاومت زندانیان اعتصابی تمام نیرو و ابزار سرکوب خود را به کار گرفت. اعتصاب غذا در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۷ پس از ۵۰ روز مقاومت دلیرانه زندانیان اعتصابی سرکوب گردید. در جریان این سرکوب بیش از ۳۰۰ تن تجدید محاکمه شده و به زندانهای بلند مدت و تبعید از زندان زادگاه خود به زندانهای مخوف تر و دور دست تر شدند. در این میان ده ها تن از زندانیان اعتصابی از جمله معصومه بهتاش که به اتهام وابستگی به اتحادیه کمونیستها، ناهید آذری به اتهام وابستگی به راه کارگر، مینا نمازی و رضا امیری به اتهام وابستگی به فدائیان اقلیت در زندان بسر می بردند، ناپدید شدند که هنوز هم کسی از سر نوشت آنان اطلاعی ندارد. رژیم در جریان این اعتصاب مجبور گردید به برخی از خواسته های زندانیان اعتصابی مبنی بر افزایش زمان ملاقات و هواخوری و مقدار پول دریافتی از خانواده ها که صرف خرید وسایل مورد نیاز شخصی می شود تن دهد. اخبار این اعتصاب علیرغم تدابیر شدید امنیتی از سوی رژیم، قطع ملاقاتها و دستگیری خانواده های زندانیان اعتصابی به طور گسترده ای در داخل و خارج ایران انعکاس یافت. رژیم که از درج روز شمار این اعتصاب غذا به بیرون از زندان به خشم آمده بود، به کینه ورزی و عداوت خود با زندانیان سیاسی سابق افزود و ده ها تن از آنان را به جرم انعکاس اخبار اعتصاب و همکاری با کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید که نقش فعالی در انعکاس این اخبار به افکار عمومی داشت دستگیر و زندانی نمود.

ما خواهان روشن شدن سر نوشت ناپدیدشدگان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

در تابستان ۷۶ ۱۳ هستیم!

برگزاری سمینار بین المللی به مناسبت دهمین سال کشتار بزرگ

تابستان ۶۷ در زندانهای جمهوری اسلامی ایران

سوم و چهارم سپتامبر ۱۹۹۸ در استکهلم

موضوع های سمینار:

قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، زندان در جمهوری اسلامی، وضعیت زنان

در ایران، زن و زندان و حقوق بشر در ایران

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید - واحد سوئد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جمهوری اسلامی سه تن دیگر از مخالفین سیاسی را به اعدام محکوم کرد

بنا به اخبار دریافتی از ایران، جمهوری اسلامی سه تن دیگر از زندانیان سیاسی بنامهای علیرضا کرمانی ۳۴ ساله، نادر جعفری و عزیزالله خیری را به اعدام محکوم کرده است. احکام اعدام این سه زندانی سیاسی که از سوی شعبه ویژه دادستانی انقلاب اوین محاکمه و به اعدام محکوم شده اند در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۷۷ مورد تصویب شورای عالی قضائی رژیم قرار گرفت.

در حالیکه سینه چاکان مدافع حفظ نظام سرکوبگر اسلامی حاکم بر ایران چهار دست و پا به پابوسی خاتمی برای نجات این رژیم بغایت ارتجاعی رفته اند و از ابتکار عمل های این آخوند مرتجع در بهبود حقوق بشر و تغییرات مثبت در ایران یاد می کنند، مخالفین سیاسی همچنان یکی پس از دیگری به جرم دگراندیشی و اعتراض به نظم موجود به جوخه های اعدام سپرده می شوند.

ما ضمن محکوم نمودن احکام اعدام این سه زندانی سیاسی، از کلیه انسانهای آزاده، جریانات و نیروهای مترقی و نهاد های مدافع حقوق بشر می خواهیم که با تمام توان برای جلوگیری از اجراء این احکام ضدبشری و نجات جان ده ها زندانی سیاسی دیگر که هم اکنون در سراسر ایران در صف اعدام قرار دارند، به یک اعتراض بین المللی و گسترده اقدام نمایند.

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

۱۳ خرداد ۱۳۷۷

بمب گذاری در جریان مبارزه مردم برای احقاق حقوق دمکراتیک شان مانع ایجاد می کند

بر پایه اخبار منتشره، سازمان مجاهدین خلق در روزهای ۱۲ و ۱۳ خرداد به یک سلسله اقدامات نظامی و بمب گذاری که هدف آن مراکز سرکوب رژیم بود دست زد. اقدام به چنین اعمالی در شرایطی که مبارزات آزادیخواهانه توده های مردم ایران برای احقاق حقوق دمکراتیک و انسانی شان رو به اعتلا نهاده، جز اینکه شرایط مناسب برای تشدید سرکوب عمومی را فراهم سازد ره به جائی نخواهد برد. این اعمال مسیر مبارزات مردم را که با استفاده از شیوه های سیاسی و ابزارهای موجود توانستند شکاف میان جناحهای رژیم را تعمیق بخشیده و پایه های حاکمیت را متزلزل نمایند و فضای ویژه ای برای ادامه مبارزات شان ایجاد کنند به انحراف خواهد برد. این اعمال نه با شرایط مبارزاتی توده های مردم ایران و نه با سطح آگاهی و خواست آنان هیچگونه تطابقی ندارد و محکوم است.

ما اعلام میداریم که چنین اعمالی مخالف منافع مردم ایران بوده و مبارزات رو به رشد توده های مردم برای ایجاد جامعه ای برابر و انسانی و بر علیه رژیم را مرعوب جو رعب و وحشتی خواهد کرد که رژیم به بهانه مقابله با این اعمال تشدید خواهد کرد.

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

۱۵ خرداد ۱۳۷۷

اقدام به ایجاد تشکل موازی با کانون باموازین سیاسی مغایرت دارد

اخیرا در اطلاعیه ای که تحت عنوان تریبونال بین المللی منتشر شده است با تعجب بسیار مشاهده کردید که نام کانون زندانیان سیاسی ایران-هلند بعنوان یکی از امضاء کنندگان این اطلاعیه در آن فید شده است. ما ضمن تکذیب وابستگی چنین جمعی به کانون زندانیان سیاسی ایران و تشکیلات خارج کشور آن کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، اقدام به ایجاد تشکل موازی با کانون را یک اقدام فرصت طلبانه، خودسرانه و مغایر با پرنسیپهای سیاسی میدانیم و آن را نه یک اصل سیاسی که یک اقدام انحرافی و هدمند میدانیم که قصد دارد اذهان عمومی را مشوش نماید. علیرغم اینکه هنوز ماهیت سیاسی عناصر تشکیل دهنده این جمع بدرستی بر ما روشن نیست اما آنچه که مشهود است این است که این جمع خود را موظف به رعایت چهارچوبهای متعارف سیاسی نمی بیند و فعالیت و مبارزه علیه رژیم را جدی تلقی نمی کند. یقیناً این چنین اعمالی فضای نامنی در سطح جنبش و برای کار سیاسی ایجاد می کند و همواره این خطر وجود خواهد داشت که رژیم از آن سود ببرد. هیچ کس در هیچ شرایطی و با هیچ توجیهی حق ندارد اقدام به ایجاد یک تشکیلات موازی با تشکیلات دیگری با همان نام و عنوان نماید. این یک امر مسلم و سیاسی است. بنظر میرسد کم نیستند کسانی که بخاطر منافع سیاسی خود آگاهانه مضرات چنین اعمالی را نادیده گرفته و فضای رشد چنین اقداماتی را ایجاد می کنند. این جمع که تا اجلاس تریبونال بین المللی وبعد از آن تا این تاریخ هیچگونه هویت سیاسی، فعالیت سیاسی و موجودیت تشکیلاتی جز در ذهن خود نداشته، بیکباره این فرصت را می یابد یک شبه بدون هیچگونه برنامه و اساسنامه و اعلام موجودیتی از قبل ظهور کند. به راستی این لوٹ کردن جنبش نیست؟ مگر نه این که این تریبونال قرار بود در سطح جنبش و با دخالت و فعالیت همه نیروهای فعال در آن دنبال شود؟ پس چه شد که تلاش برای دخالت هرچه بیشتر فعالین جنبش در شکل گیری این روند جای خود را به تلاش برای بالا بردن تعدد اسامی در پای اطلاعیه صرفنظر از اینکه عموماً چنین تشکلهائی وجود عینی داشته و فعالند یا نه میدهد. بر بستر چنین سیاستهائی است که چنین روحیاتی نیز برای کسب هویت و جایگاهی که هیچگاه در سطح جنبش به آنان تعلق نداشته رشد می کند.

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

۲۹ خرداد ۱۳۷۷

تفتیش عقاید، شکنجه و اعدام در ایران متوقف باید گردد!

ضابطان و ناصحان امر به معروف و نهی از منکر

سازه های سرکوب رژیم در کوچه و خیابان

منظور این جناب سردار سپاه اسلام از هدایت از راه تذکر، یعنی دستگیری بی رویه، فحاشی و تحقیر هزاران انسان در کوچه و خیابان به جرم با هم بودن و عدم رعایت شئون اسلامی است. تنها سه هفته بعد از این مصاحبه در روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت، چندین گروه ۱۰ تا ۱۵ نفره از ماموران (ضابطین و ناصحین) این قرارگاه در چند منطقه شمال و غرب تهران راه را بر زنان جوان بسته و گروه گروه آنان را بدون هیچ تذکری و با توهین و فحاشی سوار بر مینی بوسهایی کردند که از قبل برای هدایت از راه تذکر آماده کرده بودند. تعدادی از این ماموران که از همه وظیفه شناس تر و ناصح تر بودند در میدان ونک تهران وارد یک مرکز خرید و فروش شدند و حدود ۲۰ زن و دختر جوان را که به خرید مشغول بودند دستگیر و به بازداشتگاه قرارگاه مرکزی انتقال دادند. از این تعداد چند نفر فردای آن روز با پرداخت جریمه های نقدی از ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان و امضاء تعهدنامه های کتبی مبنی بر رعایت دقیق حجاب اسلامی آزاد شدند. بقیه نیز که امکان پرداخت جریمه را نداشتند تا یک هفته در بازداشتگاه بسر بردند که با دخالت خانواده ها و پرداخت جرایم تعیین شده و امضاء تعهدنامه آزاد شدند. گفته می شود در صورتی که فرد دستگیر شده دانشجو باشد، گزارش دستگیری وی به اداره حراست دانشگاه اطلاع داده می شود که آنان نیز مجازاتی که گاه اخراج از دانشگاه است برای وی در نظر بگیرند. این امر در مورد زنان کارمند نیز اجراء می شود و دستگیری آنها به اداره حراست محل کارشان گزارش می شود.

پاسدار محمود صالحی فرمانده قرارگاه مرکزی امر به معروف و نهی از منکر در یک گفتگوی مطبوعاتی در روز یکشنبه ۶ اردیبهشت در پاسخ بیک خبرنگار که از او سؤال کرد: اگر دختر و پسری در خیابان مشاهده شوند نیروهای شما باید بپرسند شما چه نسبتی با هم دارید؟ او جواب داد خیر چون اصل بر براءت است. این سردار سپاه در ادامه مصاحبه، سیاست سرکوبگرانه قرارگاه تحت فرماندهیش در رابطه با براءت را این چنین فرموله می کند: اگر کسی مرتکب خلاف کوچکی شده باشد به دفترهای اصلاح و ارشاد راهنمایی می شود و افراد روحانی یا مطلعان دیگری را راهنمایی می کنند. همچنانکه در سال گذشته ۱۳۷ هزار و ۹۷۸ مو رده این مرکز ارجاع شدند. فحوای کلام وی واضح و مشخص است. اصل بر براءت در ساختار فکری و فرهنگی این جناب فرمانده یعنی دستگیریهای خودسرانه، سرکوب و نقض آزادی عمل فردی و اجتماعی مردم از طریق قانونمند کردن احکام ارتجاعی، سلب حقوق همزیستی اجتماعی انسانها، ایجاد اختناق و افزایش مکانیزم های کنترل به منظور ایجاد ذهنیت قدرت و وحشت در مردم. وی در ادامه می گوید: از سال ۷۱ تاکنون ۷۴۲ هزار و ۳۸۸ نفر از بسیجیان بعنوان ضابط و ناصح آموزشهای امر به معروف و نهی از منکر را فرا گرفته اند. وی عمده وظایف ضابطین و ناصحین را هدایت از راه تذکر شفاهی دانست. مردم ایران، بویژه زنان و مردان جوان که به طور روزمره در جنگ و گریز با این مرتجعین هستند و زخم این جانیان برتن و روان شان نشسته بخوبی میدانند که

اخبار...

چهار دختر و پسر جوان بر آن سوار بودند در تقاطع ۴۵ متری سید خندان (ابوذر) و خیابان کاج ایست می دهند. این چهار دختر و پسر جوان که با آگاهی خانواده های خود غروب جمعه را برای تفریح به بیرون از خانه رفته بودند، با مشاهده پاسداران در محل به شدت به وحشت می افتند. از ترس به سرعت ماشین می افزایند و سعی می کنند که از محل دور شوند. یکی از پاسداران سوار بر موتور به تعقیب آنان می پردازد. در پی این تعقیب و گریز، ماشین سواری به یک کوچه بن بست در جنب اداره اطلاعات و امنیت وارد می شود. پاسداری که در تعقیب آنان بوده نیز در پی آن وارد کوچه می شود. وی بلافاصله با اسلحه ای که در دست داشته چند گلوله از طریق شیشه باز اتومبیل به طرف دختران جوان که در صندلی عقب ماشین نشسته بودند شلیک می کند. دو گلوله به لگن خاصره یکی از دختران اصابت می کند. گلوله از تپیکه کمر عبور کرده و مثانه و رحم وی را کاملاً متلاشی می کند. این دختر نوجوان ۱۹ ساله به بیمارستان رویال تهران که در جنب پل سید خندان واقع شده است انتقال می یابد. لیکن این بیمارستان از درمان وی بعلت عدم امکان پرداخت هزینه بیمارستان علیرغم اینکه به او داروی بیپوشی تزریق کرده و او را به اطاق عمل هم برده بودند، خودداری می کند. این دختر را که ساعتها بر اثر ترریق داروی بیپوشی کاملاً در حال لغما بسر می برد به بیمارستان سوانح و سوختگی (شهدا) انتقال دادند.

این زن ۳۳ ساله مهماندار در حالیکه با اتومبیل شخصی خود عازم محل کارش در فرودگاه مهرآباد بود مورد تعقیب یک اتومبیل با شماره دولتی متعلق به سپاه پاسداران قرار میگیرد. در جریان این تعقیب چندین گلوله بسوی اتومبیل این زن شلیک می شود. در نتیجه سمت راست صورت وی بر اثر اصابت یک گلوله ۳ به کلی متلاشی میگردد. وی قبل از انتقال به بیمارستان رویال تهران در گذشت. پس از انتقال وی به بیمارستان، ماموران امنیتی رژیم سرانیمه به بیمارستان میریزند و به کلیه کارکنان بخش اورژانس این بیمارستان هشدار می دهند که این حادثه را نباید در جایی منعکس کنند.

- زن ۵۰ ساله ای به هنگام پهن کردن لباس در پشت بام منزلش در خیابان گلبرگ نظام آباد بدلیل نداشتن حجاب مورد اصابت گلوله یک پاسدار از پشت بام ساختمان مجاور قرار گرفت و از ناحیه نخاع به شدت آسیب دید. وی پس از انتقال به بیمارستان رویال تهران مورد عمل جراحی قرار گرفت و از مرگ نجات یافت. اما بر اثر صدمات وارده نیمی از بدون وی فلج گردید. این حادثه در نیمه اول اسفند ۷۶ بوقوع پیوست.

- در اوایل فروردین امسال، پاسداران اداره اطلاعات و امنیت (واواک) منطقه شرق تهران واقع در خیابان خواجه عبدالله انصاری به سرنشینان یک اتومبیل که

آزادی زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و اعدام جزئی از یک مساله عمومی تر

جامعه ایران یعنی آزادیهای سیاسی است!

اخبار پناهندگی

سوئد

برگزاری اکسیون اعتراضی

در اعتراض به آزمایشات هسته ای پاکستان در بلوچستان در روزهای ۲۸ و ۳۱ مه ۱۹۹۸ یک اکسیون اعتراضی در مرکز شهر استکهلم برگزار گردید. این اکسیون را انجمن بلوچ در استکهلم تدارک دیده بود. شرکت کنندگان در این مراسم طی قطعنامه ده ماده ای به تاثیرات منفی این آزمایشات بر روی مردم و موجودات زنده در منطقه اشاره کرده و خواستار اعزام هیئتی متشکل از متخصصین بی المللی به منطقه شدند. آنان هم چنین خواهان ممنوعیت آزمایشات هسته ای و برپیدن کلیه تسلیحات هسته ای در منطقه و جهان شدند. فعالین واحد کانون در استکهلم در حمایت از این اکسیون فعالانه در آن شرکت کردند.

اخراج پناهجویان ایرانی از سوئد

علیرغم اعتراضات شدید نهادهای پناهندگی و کانون زندانیان سیاسی واحد سوئد پلیس سوئد در دو ماه گذشته دو تن از پناهجویان ایرانی را که تقاضای پناهدگی شان از سوی اداره مهاجرت این کشور رد شده بود پس از چند سال بلاتکلیفی دستگیر و به ایسران فرستاد. این در حالی است که نزدیک به ۱۰ پناهجوی ایرانی دیگر در بازداشتگاه کپ کارسه لوند در شمال استکهلم که به ساختمان ایکس مشهور است در انتظار اخراج به ایران بسر می برند. شرایط پناهندگی در سوئد از ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ به شدت سخت شده و تنها یازده درصد از ایرانیان پناهجو موفق به دریافت پناهدگی می شوند. طبق آمارهای موجود بیش از ۷۰۰۰ پناهجو از ملیتهای مختلف به صورت غیر قانونی در سوئد بسر می برند. این پناهجویان که گفته می شود بیش از ۷۰۰ تن از آنان ایرانی هستند پس از رد تقاضای پناهندگی شان از سوی اداره مهاجرت سوئد به زندکی مخفی روی آورده اند و در شرایط بسیار سختی زندگی می کنند. خطر دستگیری و اخراج آنان را هر لحظه تهدید می کند.

هدیه پارابل های دزدی

جمهوری اسلامی پارابل های مصادره ای از مردم را سخاوتمندانه به اماکن علمی و دانشگاهی کشورهای همسایه هدیه می دهد. گفته می شود هدف رژیم از این کار جذب هیئت های علمی و ایران شناسی به برنامه های تلویزیونی رژیم است.

ترکیه

بنیال تلاش دو تن از پناهجویان ایرانی در ترکیه یک باند رشوه خواری که از پناهجویان ایرانی اخاذی میکرد کشف شد. این باند در هتل محل اقامت پناهجویان در شهر آگری به فعالیت مشغول بود و اعضای آن را مترجمین رسمی UN بنامهای احمد، مکس، سی بل و مراد، مسئول مالی و حقوقی و وکیل رسمی UN سمیع، صاحب هتل بنام موسی و وکیل مستقر در هتل بنام نریا تشکیل میدادند. این باند به اشکال مختلف از پناهجویان اخاذی می کرد و سهمیه جیره خشک مواد غذایی و پتو و لحاف را که از سوی UN برای پناهجویان ارسال می شد در اختیار آنان قرار نمی دادند. پاسخ UN به درخواست پناهدگی پناهجویان ایرانی از طریق نریا صورت می گرفت. این باند پاسخ قبولی متقاضی پناهدگی را به او ابلاغ نمی کردند و کپی آنرا که از طریق فاکس به دست نریا میرسید نکه میداشتند. به پناهجو گفته می شد که چنانچه بخواهد آنان می توانند در گرفتن پناهدگی از UN به وی کمک کنند. مبالغ هنگفتی از ۴ تا ۱۰ هزار دلار از وی می گرفتند و پس از مدت کوتاهی پاسخ UN را به وی ابلاغ میکردند. این باند معمولاً قربانیان خود را از میان بهائیان انتخاب میکرد. آنان هزینه گرم کردن حمام و اطاقها را از پناهجویان می گرفتند. در غیر اینصورت پناهجویان می باید در سوز و سرمای ترکیه با آب سرد حمام میکردند. کلیه اعضاء این باند دستگیر و هم اکنون در زندان شهر آگری بسر می برند. صاحب هتل دو ایرانی را که پس از ماه ها تلاش و جمع آوری مدارک موجب دستگیری و تلاشی این باند شدند، تهدید به مرگ کرده است. این بیم می رود که صاحب هتل با پرداخت رشوه از زندان آزاد و تهدید خود را عملی کند.

هلند

مرگ یک پناهجوی ایرانی در هلند

حسین خادمی ۲۹ ساله از اواسط سال ۱۹۹۶ در هلند بسر می برد. وی در زمینه پناهدگی فعالیت داشت و در کمپ AZC Groesbee مقیم بود. جسد این پناهجوی ایرانی در تاریخ ۴ ژوئن در شهر نایمخن Nijmegen کشف شد. پلیس مرگ وی را ناشی از خودکشی اعلام کرده است اما شایعاتی در مورد قتل او نیز وجود دارد. شایان ذکر است که تاکنون بیش از ۱۲ ایرانی پناهجو بخاطر شرایط سخت پناهدگی در هلند و مشکلات روحی و در اعتراض به سیاستهای پناهنده پذیری دولت هلندجان خود را بر اثر خودکشی از دست داده اند.

تلفن، فاکس و آدرسهای تماس با کانون

E-mail: Kanoons@hotmail.com

AIPP in exile
P.O.Box 5031
S-123 05 Farsta-Sweden
Tel.: 46-70-797 38 08

AIPP in exile
P.O.Box 961
Auburn 2144
N.S.W. Australia

Telefax: 61-2-96835774

AIPP in exile
P.O.Box 35662
A.B.Q. NM 87176-5662
U.S.A

حساب بانکی کانون

Postgiro: 647039-7

Association
P.O.Pox 5031
S-123 05 Farsta-Sweden

خبرنامه همزمان به زبان های فارسی، انگلیسی و سوئدی منتشر می شود:

Iraniska nyheter، Iran News، خبرنامه

به کانون زندانیان سیاسی

کمک مالی کنید!